

مبداء اختلافات سياسي ميان دولتهای افغانستان و پاکستان ادامه هراس افگني و تشويش جوانان

مبداء اختلافات سياسي ميان دولتهای افغانستان و پاکستان

بايد دانست که روابط دولت های افغانستان و پاکستان نه تنها حالا بلکه از دير زمانيست که پيچيده و غير دوستانه بوده است، اين روابط که منشاء اصلی آن حرص بيش از حد پاکستان در مسایل مختلف بوده و از آن جمله می توان از مشکل سرحدی خط ديورند نام برد که در اين مسئله دولت های پاکستان همواره تلاش نموده اند تا مردم آزادی خواه کشور را تحت فشار قرار داده و از سپردن حق قانونی شان ابا ورزد، که در همین رابطه بد نيست در مورد تاريخچه آغاز اختلافات ميان دولت افغانستان و پاکستان مکتبی نمائيم؛ چنانچه ثابت گرديده است؛ گفته می شود که در آغاز سال های تأسيس پاکستان به حيث یک کشور مستقل در جوار افغانستان به هر حدیکه دولت افغانستان در تبليغات و اعلان مواضع رسمی خود از موضوع پشتونستان سخن می گفت و خواستار حق خود اراديت برای پشتون های آنسوی ديورند می شد، فشار پاکستان در عرصه اقتصادی و تجارتي به افغانستان توسعه می يافت.

اعمال اين فشار از طريق اخلاص و انسداد راه ترانزيت اموال و امتعه صادراتی و وارداتی افغانستان بود که همه از بندر کراچی پاکستان وارد و صادر می گرديد. هر چند اخلاص گری پاکستان در اين مورد از سال ۱۹۴۷ آغاز شد اما دولت پاکستان در سال ۱۹۴۹ قيود شدیدی را به اموال افغانستان وضع کرد و از انتقال تیل توسط تانکر های افغانستان از بندر کراچی جلوگیری نمود. در اين سال روابط طرفين بيشتر از بيش پيچيده شد. نخستين دور اختلاف زمانی آغاز يافت که دولت پاکستان در سال ۱۹۴۸ به سرکوبی جنبش استقلال خواهی پشتون ها در ولايت سرحد شمال غرب و قبایل آزاد دست زد و سپس مناطق قبایلی را بخشی جدایی ناپذير کشور پاکستان اعلان کرد.

دولت پاکستان به رهبری «خواجه ناظم الدين» در اوایل سال ۱۹۴۹ قبایل آزاد پشتون را در ماورای مرز ديورند جز لاینفک پاکستان خواند. دولت افغانستان در عکس العمل به آن، در ۲۴ مارچ ۱۹۴۹، اعلان دولت پاکستان را در مورد قبایل آزاد پشتون در مناطق قبایلی آنسوی ديورند محکوم نمود. وزارت خارجه افغانستان ضمن انتشار اعلامیه ای، تصميم پاکستان را بر خلاف تعهدات قبلی «محمد علی جناح» زمامدار کشور مذکور خواند. هر چند «محمد علی جناح» قبل از آن در ۱۱ سپتمبر ۱۹۴۸ وفات یافته بود اما وی در مذاکرات با نجيب الله خان توروبانا بر مبنای ادعای موصوف بصورت شفاهی وعده داده بود که استقلال و خود مختاری قبایل پشتون را در مناطق قبایلی به رسمیت می شناسد. سردار شاه محمود خان غازی صدراعظم افغانستان با ایراد بیانیه ای در ۲۱ مارچ ۱۹۴۸ در شهر جلال آباد اقدام پاکستان را محکوم کرد و از دولت آن کشور خواست تا حقوق پشتون ها را در آنسوی خط ديورند به رسمیت بشناسد.

پاکستان علاوه بر اعمال فشار در عرصه اقتصادی به افغانستان، به اقداماتی در عرصه سیاسی و تبليغاتی متوسل شد. اعلامیه وزارت خارجه افغانستان را در اظهارات رسمی خود تردید کرد. انتشار مطالب تبليغاتی خود را عليه دولت افغانستان در رسانه های گروهی خود افزایش داد. و با فعال ساختن رادیویی بنام "رادیو افغانستان آزاد" جهت مقابله با سیاست تبليغاتی دولت افغانستان برآمد. در عرصه بين المللی، دولت انگلیس و سایر کشورهای غربی و ممالک اسلامی و عرب از موضع و موقف پاکستان حمایت کردند.

با ملاحظه موارد فوق به اين نتیجه می رسيم که دولت های پاکستان از همان آغاز تشکیل آن کشور با ریاکاری های مختلف خواسته اند تا مردم و دولت افغانستان را تحت فشار قرار داده و از اين طريق به اميال و خواسته های نامقدس خویش نایل گردند؛ روی اين ملحوظ لازم است تا با درک ریشه های اصلی مسایل مشکل زا در روابط ميان کشورهای افغانستان و پاکستان با کمک و همکاری جامعه جهانی بخصوص سازمان ملل متحد و کشورهای اسلامی بخصوص سازمان دولت های اسلامی اين معضله را حل نموده و تلاش گردد تا برای همیشه از اين زخم ناسور مردم و دولت های ما رهائی يابد.

دپانو شميره: له ۱ تر 2

افغان جرمن آنلاين تاسو په درنښت همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادښت: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څېر و لولئ

ادامه هراس افگنی و تشویش جوانان

ده سال قبل هنگامی که روابط سیاسی طالبان با اضلاع متحده آمریکا به وخامت گرائید و قرار شد تا قوای ناتو به منظور دستگیری و از بین بردن «اسامه بن لادن» و اعضای شبکه القاعده به افغانستان حمله نظامی نمایند، مردم افغانستان بخصوص جوانان این دیار امیدوار آن گردیدند که با از بین رفتن نظام استبدادی طالبان، دیگر سایه جنگ و خونریزی در کشور برچیده شده و مردم قدری در آسایش و رفاه به زندگی خویش ادامه خواهند داد و افغانستان بسوی ترقی و پیشرفت گام خواهد نهاد.

اما افسوس و صد افسوس که حالا با گذشت یازده سال، در حالیکه از حکومت مستبد طالبان نیز در کشور خبری نیست و باوجود اینکه قوای نظامی کشور قدرتمند جهان نیز جهت حمایت از حکومت انتخابی و مردمی افغانستان در کشور حضور پررنگ نظامی دارند، باز هم مردم ما در هراس از آینده مجهول خود بوده و از ناامنی های که اکثراً ناشی از مداخلات بیشرمانه کشور های همسایه بوجود می آید رنج می برند، مردم عزیز ما انتظار داشتند که با آمدن نظام جدید در کشور دیگر دامن جنگ و خونریزی در میهن برچیده شده و مردم خواهند توانست در فضای صلح آمیز و با خاطر آسوده به زندگی خویش ادامه دهند و بتوانند مانند سایر ملل جهان به پیشرفت و ترقی گام بردارند، اما حالا نیز مردم ما بخصوص جوانان آگاه از سبب سازماندهی و انجام حملات غیر انسانی مخالفین که هرروز باعث کشته و زخمی شدن مردم مظلوم ما می گردد در هراس بوده و از آینده مبهم خویش در تشویش اند و به این می اندیشند که آینده آنان چی خواهد شد، چون باوجود اینکه بارها دولت افغانستان در جهت تأمین صلح و در کشور تلاش نموده و چندین بار از گروه های مسلح مخالف درخواست اشتراک به پروسه صلح و آغاز مذاکرات به منظور اختتام جنگ را نموده، اما هربار از جانب گروه های طالبان جواب منفی ارایه شده و هربار با یک حمله انتحاری مرگ بار به آن پاسخ ارایه گردیده است.

باوجود اینکه سه دوره حکومت انتخابی در کشور رو به اختتام است و مردم برای چندمین بار برای انتخاب رئیس جمهور منتخب خویش آمادگی می گیرند اما هنوز هم مردم ما از فعالیت های تروریستی و تخریب کارانه مخالفان مسلح دولت که در هر گوشه و کنار کشور سبب کشته و زخمی شدن مردم مظلوم و غیر نظامی می گردد رنج می برند و از کردار های ظالمانه آنان شاک می باشند.

چنانچه مردم آگاه و با وقار ما خود می دانند، هردسیسه و پلان شومی که به منظور ایجاد بی ثباتی و نا امنی صورت می گیرد منشاء اصلی آن کشور های حامی تروریسم بخصوص کشور های پاکستان و ایران بوده و این کشور ها به دلایل مختلف که در آن منافع ملی خود شان نهفته است نمی خواهند صلح و ثبات در افغانستان تأمین گردد.

بدنیست که بگونه مثال از اظهارات عالمانه استاد عبدالرسول سیاف که در گردهمایی تجلیل از روز شهدا گفتند یاد آور شد:

عمل انتحاری در دین مقدس اسلام ناروا بوده و هرکس که خود را می کشد جای وی در جهنم خواهد بود از این رو آنانی که خود را به هر دلیلی آماده حمله انتحاری نموده و با کشتن خود مردم مسلمان و دیندار ما را نیز شهید می سازند نباید فریب ملاحای پنجابی را بخورند.

دراین هیچ شکی نیست که صلح نیاز میرم هر جامعه انسانی بوده و مسؤولیت تأمین صلح و ثبات در کشور نیز به عهده دولت و نیروهای امنیتی می باشد، اما باید خاطر نشان نمود که بطور کلی هر فرد جامعه بخاطر تأمین امنیت در کشور مسؤولیت فردی داشته و همین احساس مسؤولیت پذیری فردی است که کشور را به یک جامعه پیشرفته و مترقی نزدیک ساخته و جامعه را از اختناق و ستیزه جوئی بسوی آرامش می برد.

پایان